
میراث اورهان

رمان

آلین اوہانسیان

ترجمہ

نریدہ ارفم



انتشارات فروارید

او هانسان، آلبو

عنوان و نام پدیدآور: میراث اورهان: رمان / آلین اوہانسیان؛ ترجمہی فریدہ اشرفی.

تهران: موارید، ۱۳۹۴.

٣٨٠ ص، ١٤/٥ × ٢١/٥ م.م.

978-964-191-440-2

فيا

یادداشت:

داستان‌های آمریکایی - قرن ۲۱ م.

اشرف، فیدم، ۱۳۴۴ -، مترجم

PS ۳۶.۲ / ۹۹م۹ ۱۳۹۴

813/6

٢١٥١٣١٥



دفتر: ۶۶۴۰۰۸۶۶ - ۶۶۴۱۴۰۴۶ - ۶۶۴۸۴۶۱۲ کس: ۶۶۴۸۴۰۳۰۰ فروشگاه: ۶۶۴۶۷۸۴۸

www.norvarid-pub.com

آلین اوهانسیان

تولید فنی: الناز ایللی

چاپ اول ۱۳۹۵

تیرا: ۷۷۰

0-2 9YA

ISBN: 978-964-191-440-2 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۴۴۰-۲

۲۴۰۰۰ ریال

پیش‌گفتار

«آلین اوهانسیان» نویسنده‌ی رمان «میراث اورهان»، در سال ۱۹۷۵ در کویت زاده شد و در سه سالگی با خانواده‌اش به کالیفرنیا مهاجرت کرد. او کارشناسی ارشد تریخ داد و تحصیل در مقطع دکتری را به عشق نوشتن رمان رها کرد. مادر ادیبرگ آلین از جمله شاهدان تبعید ارامنه از ترکیه به صحرای دیر الزور در سوریه، در جریان نژادکشی ارامنه توسط دولت عثمانی بود که تمام ماجرای خانواده‌اش از زمانی که آلین هشت ساله بود برای او تعریف کرد. بعدها، اوهانسیان که خود را شیفته‌ی داستان‌های ناگفته و انسان‌هایی می‌دید که سکت‌ها را اختیار کرده‌اند، همان خاطرات را به دست‌مایه‌ای برای نوشتن رمان «میراث اورهان» بدل کرد.

«میراث اورهان» اولین رمان اوهانسیان و نامزد دریافت جایزه‌های ادبی معتبر، از جمله فینالیزست جایزه‌ی پن/فاکنر، فینالیزست جایزه‌ی صلح ادبی دیتن، نامزد دریافت جایزه‌ی «رمان اول» کانون داستان‌نویسی فلائرتی - دانن، نامزد جایزه‌ی ادبی بین‌المللی دوبلین ۲۰۱۷ و منتخب

چندین جایزه و سایت ادبی دیگر شده است. این رمان، به این دلیل که سلسله حوادث و رخداد‌های تحقق‌یافته‌ی تاریخی را روایت می‌کند، رمانی تاریخی است.

«میراث اورهان» سرگذشت تکان‌دهنده‌ی خانواده‌ی ملگنیان، به‌ویژه «سینه» دختر خانواده است. کمال تورک‌اوغلو، پدر بزرگ اورهان، ساکن در ستای کارود از توابع سیواس در آناتولی ترکیه، در وصیت‌نامه‌اش خانه‌ای را به زنی به‌نام «صدا» می‌بخشد. کنجکاوِ اورهان که تا پیش از وصیت پدر رزگش از چنین وارثی بی‌خبر بود، برانگیخته و همین کنجکاوِ بی‌سببی شده‌او تا پایان رمان، در پی سرگذشت «صدا» و ارتباط او با پدر بزرگش باشد. افشای رازی هولناک و سرگذشتی که در حقیقت بخشی از رنجِ خانوادگی‌های ارمنی است که یک سده پیش، در ماجرای خونین نژادکشی ۱۹۱۵ با رومی آنان در سال ۱۹۱۵ و در راستای تحقق اهداف «پان‌ترکیستی»، اتفاق افتاد؛ در اولین نژادکشی سده‌ی بیستم که الگوی چندین نژادکشی در قرن بیستم بوده.

کشتار ارمنه که با آغاز جنگ جهانی در رومانی داد، سبب شد تا صدها هزار ارمنی که از خانه‌های خود رانده شده بودند، قتل‌عام شدند و یا در جابه‌جایی‌های اجباری، آن‌قدر پای پیاده راه پیمودند که جان باختند. منابع تاریخی آمار کشته‌شدگان این جنایت را ۱/۵ میلیون تن برآورد کردند. تا پیش از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴)، حدود ۲/۵ میلیون ارمنی در قلمرو امپراتوری عثمانی زندگی می‌کردند، اما پس از سال ۱۹۲۳ (یعنی پس از نژادکشی) تنها حدود پنجاه هزار تن، آن هم در شرایطی سخت و جان‌فرسا در استانبول باقی ماندند.

شماری از این جان‌باختگان، حدود سی‌صد نفر از رهبران، روحانیان،

اندیشمندان، نویسندگان و سیاستمداران ارمنی بودند که در ۲۴ آوریل (همان روزی که ارمنیان سراسر جهان در کلیساها گرد هم می‌آیند و یاد قربانیان‌شان را زنده نگه می‌دارند) ۱۹۱۵، پس از دستگیری و شکنجه، به طرزی فجیع، سلاخی و در گورهای دسته‌جمعی دفن شدند. اگرچه نژادکشیِ ارامنه به دست ترکان عثمانی از سوی دولت ترکیه دروغ پنداشته شد و آن‌ها این‌گونه وانمود کردند که ارمنیان تنها از منافع‌های جنگی شرق انتقال داده شده‌اند و کشته‌شدگان نیز شمار چینی هستند که در درگیری‌ها و جنگ‌های قومی از بین رفته‌اند اما بسیاری از سرسب‌های مشهور، آن را تأیید و محکوم کرده‌اند.

«اورهان پاموک» رمان‌نویس ترک و برنده‌ی نوبل ادبی در گفت‌وگو با نشریه‌ای سرسبی گفته: «در ترکیه سی‌هزار کُرد و یک میلیون ارمنی کشته شده‌اند، درحالی‌که پاموک از من هیچ‌کس جرئت بیان این مطلب را ندارد.»

دولت ترکیه پاموک را به خاطر این گفته متهم کرد و از او به دادگاه شکایت برد. پاموک ناچار شد مدعی مخفیانه زندگی کند تا سرانجام با فشار کانون‌های نویسندگان کشورهای اروپایی و سازمان‌های مدافع آزادی بیان، دادگستری ترکیه مجبور به عقب‌نشینی شد و دادگاه پاموک را لغو کرد.

در ایران نیز نویسندگانی چون یحیی دولت‌آبادی و محمدعلی جمال‌زاده که در مسیر سفر شاهد وضعیت آزاردهنده و تألم‌برانگیز ارمنیان تبعیدی بودند، به این فاجعه توجه نشان دادند.

مشاهدات جمال‌زاده در کتاب «سرگذشت و کار جمال‌زاده» از کاروان آوارگان ارمنی در راه بازگشتش از ایران به آلمان، رقت‌بار و جانکاه است:

«... بعد از ظهری بود. به جایی رسیدیم که ژاندارم‌ها به یک کاروان از این مرده‌های متحرک در حدود ۴۰۰ نفری، قدری مهلت استراحت داده بودند. مرد و زن هرچه کهنه و کاغذپاره پیدا کرده بودند، با نخ و قاطمه و طناب به جای کفش به پاهای خود بسته بودند، به طوری که هر پای ما یک، طفل قنداقی به نظر می‌آمد... مرد و زن مشغول کاوش خاک و شن بودند تا مگر ریشه‌ی خار و علفی به دست آورده سد جوع نمایند. زنی به من نزدیک شد و دو دختر هیجده - نوزده ساله‌ی خود را نشان داد که موی سر آنها را برای این که جلب نظر مردان هوس‌باز را نکنند، تراشیده بودند... گفت: «بنده دخترهای منند و دارند از گرسنگی تلف می‌شوند بیا محض خاطر خدا این تردانه الماس را از من بخر و چیزی به ما بده که بخوریم و از گرسنگی نمریم. خجالت کشیدم چون آذوقه‌ی خود ما هم سخت ته کشیده بود، آنجا - ایستم، دادم و گفتم: الماس‌های‌تان مال خودتان.»

امروزه بیشتر ارامنه‌ای که در سراسر جهان پراکنده شده‌اند، از فرزندان یا نوادگان ارمنیان بازمانده از این کشتار هستند. شایاری از بازماندگان آن جنایت‌ها در بین ما زندگی می‌کنند. ارمنیانی که «آمین اوهانسیان» نویسنده‌ی رمان «میراث اورهان» یکی از آنهاست. آن‌ها که بار سنگین «اندوهی موروثی» را همیشه بر دوش دارند.